

عشق و ازدواج

نویسنده: سید مصطفی ابطحی

ابطحی، مصطفی ۱۱۲۹۸ - ۱۳۸۱
عشق و ازدواج / اسید مصطفی ابطحی، -
آبادان: پرسش، ۱۳۸۴
۲۳۸ ص.

ISBN: 964 - 6629 - 77 - 6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. عشق، ۲. زناشویی، الف عنوان.

۱۵۲/۴۱ BF ۵۲۵/ع ۵ الف ۲۵

کتابخانه ملی ایران ۴۰۷۸۸ - ۸۱ م



نشر پرسش

مصطفی ابطحی

عشق و ازدواج

حروفنگاری: نگار

چاپ: چاپخانه ورامینی

شمارگان: ۵۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۴

شابک ۹ - ۹۸ - ۶۶۲۹ - ۹۶۴

ISBN: 964 - 6629 - 98 - 9

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

نشر پرسش - آبادان - پریم - میدان آفتی - ساختمان اروند - تلفن ۳۳۳۵۰۲۵

نشانی مکاتبات پستی: نشر پرسش - اصفهان - صندوق پستی ۴۱۶ - ۸۱۷۲۵

E-mail: porsesh @ hotmail. com

فهرست مطالب

۱۵	مقدمه
۱۸	فصل اول
۱۹	عشق چیست
۲۳	عشق دوران زندگی
۲۷	غدد تناسلی
۲۹	عشق و دلدادگی
۳۶	ناپلئون
۳۷	ارتباط جنسی
۴۱	اشعار راجع به دوران عشق
۴۳	بیانات مولانا
۴۴	عشاق راستین
۴۷	زیبایی صورت
۴۸	دیدار وصال
۵۰	زندگی عشاق
۵۵	حساسترین پدیده
۵۵	عاشق مجازی
۵۷	جوش و خروش معشوق
۶۰	گفتار نظامی

۶۶	کیفر عشق مجازی
۷۳	عشق الهی
۷۳	آیالذت همخوابگی
۷۶	پدیده عشق
۸۱	خواص اشیاء
۸۳	عشق وزیاینها
۸۴	شخصیت خود عاشق و معشوق
۸۷	حساسیت روح انسان
۸۹	عشق افلاطونی
۹۱	کشش عاشق به سوی معشوق
۹۲	باز هم مطالبی درباره عشق
۹۴	عشق از تعریف بی نیاز است
۹۴	عشق مجازی ننگ است
۹۶	سوزش انسانی
۹۷	باغ عشق
۹۹	اسرار عشق
۱۰۱	فصل دوم
۱۰۱	سخن افلاطون
۱۰۲	گفته عرفا
۱۰۳	بیان معصوم

مدارج تکامل	۱۰۴
وجود عشق	۱۰۵
۳- عشق و جهان هستی	۱۰۸
پیشنهاد ابن سینا	۱۱۱
عشق به معشوق دیگری	۱۱۴
ارسطو و گفتارش	۱۱۴
عشق الهی در نهج البلاغه	۱۱۶
نکته‌ای از مولانا	۱۱۷
اعتراض به روش صدرالمتألهین	۱۲۰
مثنوی عقل و عشق	۱۲۵
قطعه شعر پیرامون عشق از مؤلف	۱۲۵
فصل سوم	۱۲۷
در معنا و حقیقت عشق	۱۲۸
اقسام عشق	۱۲۹
اسباب عشق	۱۳۰
احسان	۱۳۰
منبع عشق	۱۳۱
هجر عاشق	۱۳۳
نشانه عشق و عاشقی	۱۳۳
اشعار باباطاهر	۱۳۵

۱۳۶	فراق - ناله عاشق از دست معشوق
۱۳۷	فرستادگان خدا
۱۳۸	عشق حقیقی
۱۳۸	منازل سلوک
۱۳۹	اتحاد عاشق و معشوق
۱۴۴	مولانامی گوید
۱۴۴	معنای عشق
۱۴۵	ناآشنا به عشق
۱۵۳	عشق و منابع اسلامی
۱۵۴	گفته های عده ای از فلاسفه
۱۵۸	گفتار هارون الرشید
۱۵۹	شیخ اشراق در حقیقه العشق
۱۶۷	فصل چهارم
۱۶۸	نیروی عشق
۱۶۹	نفوذ عشق
۱۶۹	تجزیه عشق
۱۷۰	علاقه به جمال
۱۷۱	مهربانی
۱۷۲	احترام
۱۷۳	غیرت

عشق شاعرانه	۱۷۵
عشق پاک افلاطونی	۱۷۷
هوشیاری دختران جوان	۱۷۸
اقسام زیبایی و جمال انسانی	۱۷۹
زیبایی چشم	۱۷۹
بینی قلمی و کشیده	۱۸۰
پیشانی باز و پهن	۱۸۰
موی سر	۱۸۲
رنگ پوست	۱۸۳
بلندی و ظرافت انگشتان	۱۸۴
فرق میان زیبایی مرد و زن	۱۸۵
درباره جمال زنان	۱۸۷
محركات عشق	۱۸۸
سن	۱۸۸
احساسات عاشقانه	۱۹۰
نگاه	۱۹۲
اشتیاق	۱۹۳
زن و مرد مکمل یکدیگرند	۱۹۴
صفات مردانه و صفات زنانه	۱۹۵
تفاوت روحی زن و مرد	۱۹۶

فصل پنجم ۲۰۱

زنان و عادت ماهانه و غریزه جنسی ۲۰۱

مدت عشق ۲۰۱

جلب محبت زن مرد را توانگر می‌کند ۲۰۲

مورد توجه زنان در مقابل مقام و شخصیت ۲۰۲

غرور زنان ۲۰۳

توجه بیش از حد زن به مرد و اثر ملال‌آور آن ۲۰۴

نگاه اول ۲۰۴

عفت زنان ۲۰۵

ازدواج و عشق زن ۲۰۵

زن از مرد چه می‌خواهد؟ ۲۰۶

ثروت ۲۰۷

محبوب غیر نبودن ۲۰۷

حسن خلق و رفتار خوش ۲۰۸

بذله‌گویی ۲۰۸

امتیاز و برجستگی ۲۰۸

محبت و دل‌باختگی ۲۰۹

مرد از زن چه می‌خواهد؟ ۲۱۰

وضع زن با مرد متفاوت است ۲۱۱

عشق فاسد و غلط ۲۱۲

فصل ششم..... ۲۱۵

عواملی مجرد جوانان ۲۱۶

عشق در زمان مجرد..... ۲۱۷

معایب مجرد ۲۱۷

تجرد و خطرات آن ۲۲۰

مقدمات ازدواج ۲۲۰

بلند پروازی و غرور مرد ۲۲۱

بلند پروازی و غرور زن ۲۲۲

انتخاب همسر ۲۲۳

تناسب سن مرد و زن در ازدواج ۲۲۴

آسایش به مال و ثروت نیست..... ۲۲۶

مشخصات روحی زن ۲۲۷

سلامتی زن و مرد..... ۲۲۸

پرهیز از زن نادان..... ۲۲۹

عصبی مزاج بودن زنان..... ۲۲۹

انتخاب شوهر و حق رد یا قبول ۲۳۰

محبت، رکن اساسی زناشویی ۲۳۱

مردان خشن و متلون ۲۳۱

متکی بودن بدیگران..... ۲۳۲

دختران و پسران مجرد ۲۳۳

۲۳۴	 هنگام آرامش زن و شوهر
۲۳۵	 آرایش و لباس برای چی و چه کسی است ؟
۲۳۶	 زن همیشه عروس است
۲۳۷	 اطاق خواب زن و شوهر باید از دیگران جدا باشد
۲۳۸	 بنای محبت را ایراد و عیب جویی ویران می کند
۲۳۹	 خودخواهی باعث جدایی است
۲۳۹	 تأسیس خانواده
۲۴۰	 محبت سبب بقای نوع است
۲۴۱	 عشق و علاقه به فرزندان
۲۴۴	 اثرات داشتن فرزند در روابط زناشویی
۲۴۴	 شرائط داشتن فرزند
۲۴۴	 پسر بهتر است یا دختر؟
۲۴۵	 تربیت فرزند
۲۴۶	 مشکلات در جدایی
۲۴۹	 فصل هفتم
۲۴۹	 تجزیه عشق و ازدواج
۲۵۱	 تولد فرزند
۲۵۱	 ازدواج و قانون روم قدیم
۲۵۲	 اهمیت هم خوابگی
۲۵۳	 ازدواج باید به میل دو طرف انجام شود

۲۵۵	آیا وظیفه زناشویی تملک است یا نه؟
۲۵۵	پیوند روح و روان در ازدواج
۲۵۶	منشاء انگیزه جنسی در جریان زناشویی
۲۵۸	آیا کودکان می توانند ازدواج را محکمتر کنند؟
۲۵۸	توجه همه فلاسفه و مورخین و روانشناسان
۲۶۰	طلاق از ابداعات عصر جدید نیست
۲۶۱	علت شکست زناشویی
۲۶۲	آیا زن عاطفه زیاد دارد و مرد عقل زیاد؟
۲۶۷	دشواریهای زناشویی
۲۶۹	ازدواجهای عصبی
۲۷۰	ساختمان پیچیده ازدواج
۲۷۱	واقعاً اعجاب آور است
۲۷۶	آنچه در این کتاب مورد گفتگو بود
۲۷۷	گفت و گویی با جوانان عزیز
۲۷۸	اشعار

در ازل پرتوحسنت ز تجلی سرزد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

عشق

پرتوی است از تجلیات لایزالی که در نهان خانه دل
بندگان خاص می افتد تا که آنان را به اسرار وجود
وهستی بیاگاهاند و از گمراهی و تاریکیهای جهان
مادی رهایی بخشد .

یک اصل مسلم

عشق به خودی خود یکی از ارکان مهم و اصلی
شادمانی و نیک بختی در زندگی خواهد بود .

به نام هستی خالق یکتا

مقدمه

کتابی که اینک از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد با تمام مظاهر زندگانی روحی و معنوی ما سروکار دارد، لذا نباید این مجموعه را مانند یک سلسله از کتابهایی دانست که سابقاً تحت عنوان‌های مختلف در موضوع نیکبختی و شادمانی نوشته شده و ضمن آنها نویسنده یک سلسله مباحث نظری و اخلاقی را که بیشتر جنبه خیالی و شاعرانه دارد با مضامین و عباراتی مورد بحث قرار داده است.

ما نخواسته‌ایم در این مجموعه با شعر و سجع و قافیه پردازی مشکلات زندگانی عملی را حل کنیم و در مقابل، شناخت حقایق قطعی را به گل و بلبل حواله دهیم زیرا زیبایی زندگی و مظاهر حیات و ارزش مواهب عالیّه جهان آفرینش را شخص هنگامی می‌تواند درک کند که لااقل به حل قسمتی از هزاران مشکل زندگی توفیق یافته و بتواند پرده ابهام را از روی این همه اسرار و رموز که از سوی زندگی او را فرا گرفته برطرف سازد. با خواندن این کتاب محققاً قسمت زیادی از این مشکلات حل می‌شود و در زوایای تاریک حیات انواری، تأییده و حقایقی روشن خواهد گردید.

این اثر مولود یک سلسله پژوهشها و بررسیهای دامنه داری است که با تلاش فراوان در قالب الفاظ و عباراتی مناسب جای گرفته و در دراز مدت افکار پراکنده به شکلی مبهم و نامنظم در عمیقترین زوایای روح نویسنده ریشه نموده و به مرور نشو و نما کرده تا بالاخره پس از تجزیه و تحلیل نهایی به صورت یک مجموعه سودمند تجلی نموده و با شکل و منظری مشخص و با بیانی شیرین نگارش یافته است. این کتاب در طی داستانها و حکایات دلچسب و شیرین پیرامون

کیفیت و ماهیت طبایع بشری بحث نموده و منتهی سعی و جدیت به کار برده شده که با استعانت از اصول مسلم علمی و قوانین مربوط به وظایف الاعضاء و روان شناسی و علم الحیات، مطالب مورد بحث، هر چه بیشتر مستندتر و مفهوم تر عرضه گردد. اصولاً موجودیت انسانی تحت حکومت قطعی و مسلم صفات و تمایلات مثبت و مفید قرار گرفته و شرارت و بدی و بدخواهی در ذات وی راه ندارد لکن مجموع انعکاسات نامطلوب و نامنظم همواره ممکن است زندگی فردی و اجتماعی را فلج سازد و سد راه نیکبختی و نشاط و کامروائی معنوی باشد. بدین جهت هدف فطری زندگانی انسانی عبارت است از نیکی و خیر اندیشی و صلاح تا آن حد که با عدم بضاعت ممکن بوده است در نظر داشته ایم که این اثر با سبکی دلکش و بیانی شیرین و مؤثر، تکیه بر اصول و نظریات علمی که بر مسایل روحی و معنوی متکی است، منطبق سازیم و از نظریات پزشکان جهان دیده و دانشمندان علم الحیات راجع به نیکبختی واقعی انسانی وارد بحث شویم و نشان دهیم که انسان سالم و عادی به حد کافی استعداد خوشبختی را در نهاد خود به ودیعت دارد و با آگاهی از کیفیت و حقیقت قوای دماغی و جسمی و روحی و ماهیت عواطف و احساسات خود و ایجاد روح تعادل بین این سه قسمت می تواند از مواهب عالیه زندگی لذت برده و تمتع یابد.

آنجایی که بحث و گفتگو از هدف زندگانی انسانی به میان می آید با استناد به موازین علمی ثابت شده است که با کمال مطلوب انسانی با وجود مخالفت های شدید و با همه سختی ها و سوء تعبیرها و سوء استعمالها باز همیشه مبتنی بر مهر و عاطفه و حسن انسانیت و صمیمیت می باشد. علم که احساس قدرت خود را در جهان زندگانی تا به این حد مستقر ساخته و همه جا به این نتیجه واحد می رسد که انسان فطرتاً طوری آفریده شده که همیشه اوقات از این کمال مطلوب پیروی می کند و طالب روح نشاط و آرامش وجدان و فراغت باطنی می باشد که آن را نیکی و

نیکوکاری و خیراندیشی و صلاح می جوید.

اصولاً شالوده اجتماع جز تفاهم متقابل چیز دیگری نیست آنچه معارض و مخالف دوستی و صمیمیت و اشتراک مساعی بین گروههای انسانی می باشد، عبارت است از یک سلسله انعکاسات منفی که از انحرافات روحی و فکری سرچشمه می گیرد و بقای انسانی جز به وسیله اشتراک مساعی و صمیمانه صورت پذیر نتواند بود.

راجع به عشق و محبت باید بگویم «عشق نیرومندترین و قویترین تجلی عواطف عالیه انسانی است زیرا در آن واحد روح و فکر و جسم انسان را تسخیر کرده، تحت تأثیر خود قرار می دهد» عشق آنگاه حقیقی، کامل و لذت بخش خواهد بود که ارکان سه گانه وجود یعنی روح، فکر و جسم مشترکاً در ایجاد آن دخالت داشته باشند مادامی که انسان در شمار زندگان باشد ناگزیر از دوست داشتن است و بایستی عشق بورزد و بذر محبت پیاشد.

عشق در وجود انسانی ممکن است دو اثر متباین بخشد از آنجائی که با صفات و خصائص عالیه ستوده هماهنگ و موافق می باشد سلسله جنبان آن ها بوده و روح و صلاح و تقوی و رضایت و وجدان را در ما بر می انگیزد و اگر با انعکاسات منفی و زیان بخش مواجه شود ناگزیر از مبارزه بر علیه آنها می باشد زیرا بین عشق و اینگونه انعکاسات به هیچ وجه هماهنگی و توافق وجود ندارد و لذات آنی مانع از تمرکز احساسات عشق آمیز و تقویت عشق در وجود ماست و یکی از شرایط حتمی و الزام آور عشق تمرکز در یک هدف معین است در غیر این صورت استعداد عشق ورزیدن و دوست داشتن از ما سلب شده و آنچه بر جای می ماند یک روح عصبانی و ناراضی و پر هیجانی است که به هیچ کس و هیچ چیز آرامش نمی بخشد.

سید مصطفی ابطحی